



دخالت دادن زنان در حل مسائل درجه یک و اصیل اجتماعی فارغ از جنسیت در حکمرانی اسلامی، موجب از بین رفتن مطالبات کاذب جنسیتی خواهد بود

بحران‌های اجتماعی ناشی از عدم امکان گفت‌وگو

گفت‌وگو با محسن بدره استاد مطالعات زنان دانشگاه الزهراء (س)

ولی وقتی بستر مناسبی برای آن وجود ندارد این طور بروز می‌کند. ما باید در جامعه گفت‌وگوها را آتقندر زیاد کنیم تا به یک مفاهمی برسیم.

چه تعدادی در این گفت‌وگوها شرکت کردند، آیا افراد با دیدگاه‌های مختلف بودند و آیا به این هدفی که مدنظر شما بود رسید؟

بله روز یکشنبه گفت‌وگوها مخصوص اساتید بود که تعداد قابل توجهی از اعضای هیأت علمی دانشگاه و طبعاً مسئولین دانشگاه که همگی هیأت علمی هستند شرکت کردند و نظرات خود را بیان کردند. روز دوشنبه هم گفت‌وگو با حضور اساتید ولی مختص به صحبت‌های دانشجویان بود. در این جلسه دانشجویان از گروه‌های مختلف فکری و فرهنگی

حضور پیدا کردند و آزادانه ابراز عقیده کردند. حتی در این جلسه درباره لایه‌هایی صحبت شد که قبل تر تابو محسوب می‌شد. این گفت‌وگو در یک فضای محترمانه شکل گرفت؛ یعنی ممکن بود کسی داد هم بکشد اما در یک فضای محترمانه. خبر این بروز عواطف هست.

آیا این گفت‌وگوها ادامه پیدا خواهد کرد؟

من مایل هستم این گفت‌وگوها ادامه پیدا کند. به هر حال من خودم را بین فضای جوان دانشجویی و فضای معلمی خود می‌بینم و این را وظیفه خودم می‌دانم که این میانجی‌گری را انجام بدهم. البته این گفت‌وگوها به دعوت جمعی از اساتید بوده؛ این جمع از دانشکده‌های علوم اجتماعی، مهندسی و پژوهشکده زنان دانشگاه آمدن این دانشجویان از روی نیت پاک و احساس مسئولیت‌پذیری آنهاست و گفت‌وگوها ادامه داشته باشد.

از روزی که دانشگاه‌ها باز شده اند تقریباً روزی نبوده است که حداقل تعدادی از دانشگاه‌ها شاهد حضور جمعیتی در کف دانشگاه و سر

دادن شعار نبوده باشند. دانشگاه الزهراء (س) در تهران نیز یکی از همین دانشگاه‌هاست اما ابتکار عملی که در چند روز گذشته اساتید آن در برگزاری سلسله گفت‌وگوهای انجام دادند قابل توجه بود. در ادامه شرح مختصری از این گفت‌وگوها را از زبان دکتر محسن بدره، عضو هیأت علمی گروه مطالعات زنان دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی این دانشگاه می‌خوانیم.

دغدغه شما برای شکل‌گیری این گفت‌وگوها در این شرایط کشور چه بود؟

من فکر می‌کنم جامعه ما جامعه کم‌گفت‌وگویی هست؛ البته گفت‌وگو به آن معنای دقیق و اصیل. به این معنا که دو طرف گفت‌وگو آماده شنیدن هستند نه صرفاً مایل به اقناع طرف دیگر. این گفت‌وگو در بین لایه‌ها و طبقات مختلف جامعه به اندازه کافی وجود ندارد. در گفت‌وگو فرض بر این است که حقیقت نزد همه است و این گفت‌وگو است که می‌تواند آرامش و اعتدال را در جامعه ایجاد کند. اتفاقاً بحران‌های اجتماعی هم از دل نبود یک گفت‌وگوی مستمر کارآمد به وجود می‌آیند.

این اتفاقات اخیر که در جامعه و به طور خاص در دانشگاه‌ها شکل گرفت نشان از نبود همین گفت‌وگو است. این که حتی بعضاً تقابل دو گروه به فحاشی کشیده می‌شد نیز همین طور. ما معتقد هستیم به میدان آمدن این دانشجویان از روی نیت پاک و احساس مسئولیت‌پذیری آنهاست



ابعاد جهانی-محلی کنشگری دیجیتال

بازتولید هشتگ «می‌تو» در جهان‌های موازی



زهرة نصرت خوارزمی

عضو هیأت علمی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران

«می‌تو» علیرغم ادعای فهم سیاسی از خشونت علیه زنان، بیش از حد خشونت را ساده‌انگارانه و غیرمنصفانه برای عموم بازگو کرده است، روایت‌هایی که ممکن است خیلی زود بی اعتبار محسوب و حتی علیه خود زنان استفاده شوند

هم‌واهمه ایجاد شده را «بخش تاریک می‌تو» در آمریکا می‌نامند. بر اساس این مطالعات چنانکه در نیویورک پست و گاردین گزارش شد، ۶۰ درصد از مردان هنگام کار با همکاران زن خود، حالت استرس و عصبی دارند، زیرا عمدتاً نمی‌دانند چطور رفتار کنند که در آینده‌ای نامعلوم دچار تبعات اتهام ارباب و سوء استفاده جنسی نشوند.

می‌تو، علیه زنان

می‌تو در بافتار فرهنگی ظهور کرد که زن و مرد را، بر اساس ارزش‌های فردگرایانه و تفوق بازار، پیچ و مهره‌های مشابیه می‌پندارد برای حرکت ماشین سرمایه‌داری. زن اما معطوف به زنانگی خود در چنین نظامی باید متظاهرتر و متجلی تر باشد تا پذیرفته شود و هیچ شاهد دقیق و متقنی گزارش نشده است که وارد کردن اضطراب اجتماعی توسط می‌تو، خشونت علیه زنان را به صورت معنی‌داری کاهش داده باشد. بیشتر به نظر می‌رسد که اضطراب اجتماعی این دوران به این دلیل است که مدرنیته آنها را از فلسفه جنسیت و سواد اخلاق جنسی تهی کرده و روابط آزاد جنسی حقی فردی تلقی شده است که زن و مرد را ناخودآگاه به ورطه یک خطر دو سویه می‌کشاند. می‌تو نیز علیرغم ظاهر آزادی‌آورش حاصل همان گفتمان مدرن است. می‌تو هرگز از اخلاق اجتماعی، از حریم و آداب تعامل، از عاملیت زن برای حمایت از بدن و هویت خود سخنی نگفته است. می‌تو در یک حلقه بسته، به عبارتی در یک چرخه معیوب، گرفتار است و آن اینکه علیرغم ادعای فهم سیاسی از خشونت علیه زنان، می‌تو بیش از حد خشونت را ساده‌انگارانه و غیرمنصفانه برای عموم بازگو کرده است؛ روایت‌هایی که ممکن است خیلی زود بی اعتبار محسوب و حتی علیه خود زنان استفاده شوند.

کنش دیجیتال برای زنان هم عصر ما هیچ متناظر تاریخی ندارد و سابقه نداشتن، خود می‌تواند مبنای فواید و مضراتی باشد که صرفاً به تجربه و در طول زمان کشف خواهد شد. توافق بسیاری در ادبیات روزافزون هشتگ فمینیسم وجود دارد که هشتگ‌ها مایه توان‌افزایی زنان هستند. علامتی روی کیبورد که هیچ کس فکر نمی‌کرد روزی بتواند قدرت یک سمبل که با بیاید، امروز محل پیوند میلیون‌ها زن است که با التجا به آن، ابعاد مگویی تجربه زنانه را بازگو می‌کنند. اشتراک مکرر یک تجربه نهایتاً می‌شود دلیل اثبات سیستماتیک بودن آن صورت از تبعیض یا خشونت و هشتگ‌ها زنان را به فرهنگ فریاد فرا می‌خوانند. فریاد کنشی جمعی است که هرگز پیش از این ممکن نبود در فضای فیزیکی تحقق یابد. هرگز نمی‌شد تصور کرد که زنها سفید، سیاه، زرد و سرخ، فقیر/غنی، مجرد/متاهل، خانه‌دار/شاغل و ساکن در قاره‌های پهناور متفاوت با زبان‌ها و گویش‌های ناشیبه با یک نشانه به هم ترجمه شوند و پیوند بخورند. خوبی نشانه شاید همین است: خواننده و فهم می‌شود بی‌آنکه ترجمه شده باشد.

هشتگ فمینیسم ابعاد متکثری دارد، اما جهان-محلی بودنش قطعاً آن را برجسته خواهد کرد. هنگامی که تارانا برک هشتگ می‌تو را در نیویورک (۲۰۰۶) و برای افشای مصادیق خشونت مبتنی بر جنسیت ایجاد کرد، شاید نمی‌اندیشید دوازده سال بعد، هشتگ مسجد می‌تو توسط منی الطحاوی، ژورنالیست مصری-امریکایی و دیگر زنان مسلمان در شبه قاره و کشورهای عربی، آن را برای بیان تجارب ادعایی خود در عربستان هنگام حج و یا در مکان‌های مذهبی دیگر استفاده کنند.

دو روی سکه می‌تو

اینها اما کافی نیست تا هشتگی چون می‌تو به یکسر مثبت و منبع تغییرات اجتماعی سازنده تلقی شود. طبق گزارش پژوهشی علمی در بیزنس هاروارد ریویو، گسترش می‌تو در آمریکا نوعی شکاف اجتماعی فزاینده ایجاد کرده است: ۶۰ درصد از مردان می‌ترسند که به صورت غیر منصفانه‌ای مورد اتهام جنسی قرار بگیرند. این امر از جهتی مثبت تلقی می‌شود، زیرا می‌تواند مانع برخی هتک حرمت‌ها باشد. اما از سوی دیگر، فورس و افکار سنجی پیو

و آگاهی این بخش از بدنه اجتماعی را فراهم آورد. بنابراین تصحیح تصویر زن در اجتماع و توقع پایبندی به الزامات اجتماعی از طرف او در گرو فعال کردن او در تمامی عرصه‌ها خواهد بود که پدیده‌ای هدفمند و مبتنی بر برنامه‌ریزی بلندمدت است و تحقق آن در وهله اول، نیازمند توانمندسازی پیشی و دانشی آنان است. این مضمون به عنوان ابزاری در دست حاکمیت برای ارائه مفاهیم مورد نظر به بدنه اجتماعی و تقویت بنیان‌های همسویا ایده‌های حکمرانی در جامعه خواهد بود. پس به طور عملی وظیفه حکمرانی این است که قبل از مشارکت موجدیت رشد فضای ذهنی افراد را فراهم آورد. تا با تقویت فرهنگ و گفتمان دینی و بالا بردن سطح تحلیل و مطالبه بدنه اجتماعی زنان قبل از مشارکت‌دهی موجدیت تأمین شاخص‌های مطالبات مطلوب و جهت‌دهی مطالبه‌گری افراد را فراهم آورد.

در نهایت در تبیین الزام آگاه‌سازی و تقویت روحیه پرسشگری قبل از مطالبه‌گری باید گفت، اگر بدنه عمومی مردم به عنوان اصلی‌ترین صاحبین مسأله و مصرف‌کننده خط مشی‌ها روحیه پرسشگری داشته باشند ابتدا برای تشخیص درستی مسأله به دنبال پاسخ منطقی خواهند بود و پس از آن راه‌حل‌دهی و مطالبه‌گری، در این راستا باید تبیین آموزه‌های دینی به طور همه‌فهم و گرا همراه با معرفی الگوهای اسلامی موفق صورت پذیرد. در انتهای این مسیر مهم و ضروری که باید در حوزه زنان طی شود، شهروندانی فاضل خواهیم داشت که هر یک:

۱. ارزش‌های بنیادی جامعه و حکومت را درک می‌کنند و قادر به اجرای «فلسفه اخلاقی حاکم» است؛ یعنی سیاست‌های تقویت‌کننده منافع خاص و عام شهروندان را می‌شناسد و با قانون اساسی همراهی می‌کند. ۲. باور دارد که ارزش‌های رژیم حاکم، صحیح و درست هستند، نه ایده‌های مقبول اکثریت یا ایده‌هایی که صرفاً از لحاظ روانی ارضانکننده‌اند. فلاسفه این ارزش‌ها را «حقوق طبیعی» توصیف کرده‌اند. در این حالت نه‌تنه ارزش‌های رژیم حاکم باید درک شود، بلکه باید به عنوان امری غیرقابل مذاکره، باور شده و مورد پذیرش قرار گیرد. ۳. در جهت «تقبل مسئولیت اخلاقی» است. یعنی، اگر شهروند به ارزش‌های حاکمیت اعتقاد داشته باشد، باید از آن‌ها دفاع کند. ۴. کنشگری در جهت «مدنیت» دارد. مدنیت، مستلزم گذشت است و نباید از بدنه اجتماعی جدا شده و در فرایند تصمیم‌گیری رها شوند. در این راستا، حکمران اسلامی وظیفه دارد با آگاه‌سازی مداوم بدنه اجتماعی از علل و مصالح تصمیمات، در کنار بیان شفاف علل برتری گروهی بر گروه دیگر در فرایند تصمیم‌سازی موجدیت اقناع

با این رویکرد در عرصه فعال کردن زن ایرانی توجه به تکرر موجود و اقناع سازی جایگاه ویژه ای پیدا می‌کند. چرا که در شرایط کنونی جامعه و فرم‌گیری بخشی از مطالبات در پرتو بی‌تدبیری‌های سیستماتیک فرهنگی و اقتصادی ذیل خواست و مبانی غیر دینی و بومی، باید در نظر داشت که سطوح غیر هم‌سو نیز نباید از بدنه اجتماعی جدا شده و در فرایند تصمیم‌گیری رها شوند. در این راستا، حکمران اسلامی وظیفه دارد با آگاه‌سازی مداوم بدنه اجتماعی از علل و مصالح تصمیمات، در کنار بیان شفاف علل برتری گروهی بر گروه دیگر در فرایند تصمیم‌سازی موجدیت اقناع



موضوع: مسئله زن ۱۴۰۱



در این فضاها همیشه دو قطبی‌هایی به وجود می‌آید و همین باعث اصلی بر زمین بماند. مشکل ما این است که مطالبه‌گری برای زنان نداریم، کسی را نداریم که میانجی‌گری اجتماعی کند

قرار است همه چیز را به فرزندان یاد بدهد. رئیس فراکسیون زنان در ادامه به تأثیر رسانه‌ها پرداخت و گفت: «ما در مدت دو سالی که من توفیق داشتم در خدمت مردم باشم برای حل هر مسئله‌ای افکار سنجی کردیم، در این افکار سنجی‌ها شاهد بودیم که چقدر مطالبه مردم در رابطه با یک موضوع چیزی که در رسانه‌ها بازتاب می‌شود، فرق می‌کند. این نشان می‌دهد ما نسبت به واقعیت‌های اجتماعی غریبه‌ایم». در نهایت وی به استفاده